

صرف و نحو

و

اصول تجزیه و ترکیب

(با تجدید نظر و اضافات)

دکتر محمد خوانساری

انتشارات ناهید

تهران ، ۱۴۰۱

خوانساری، محمد، ۱۳۰۰-۱۳۸۸.

صرف و نحو و اصول تجزیه و ترکیب / محمد خوانساری. - [ویرایش ۲].

تهران: ناھید، ۱۳۸۴.

ISBN 978-964-6205-21-5

۲۹۵ ص.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.

۱. زبان عربی - صرف و نحو. الف. عنوان.

۴۹۲/۷۵

۴ ص ۹ خ/۲۰۳ PJ

۷۹۱۵۲۱۱ م

۱۳۷۹

کتابخانه ملی ایران

www.ketab.ir

- دکتر محمد خوانساری
- صرف و نحو و اصول تجزیه و ترکیب
- حروفچینی و صفحه‌آرایی: ویرا
- طرح روی جلد: لیلا علیزاده
- چاپ بیست و ششم: تابستان ۱۴۰۱
- چاپ دوستان
- شمارگان: ۳۳۰ نسخه
- حق چاپ محفوظ است.



تکثیر و انتشار این اثر به هر روش (بازنویسی، فتوکپی، ضبط الکترونیکی و ذخیره
انتشارات ناھید در سیستم بازیابی و پخش) بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.

www.naahid.com

• سایت:

nahidbooks@yahoo.com

• پست الکترونیکی:

www.behanbook.ir

• فروش اینترنتی:

فهرست

۹	مقدمه چاپ پانزدهم.....
۱۵	مقدمه چاپهای پیشین.....

صرف

مقدمات

۲۳	تعریف علم صرف.....
۲۴	حروف.....
۲۶	حروف شمسی و قمری.....
۲۷	حرکت و سکون و تنوین.....
۲۹	اقسام کلمه.....

مبحث فعل

۳۲	فعل ماضی.....
۳۵	فعل مضارع.....
۳۹	فعل امر.....
۴۴	ثلاثی و رباعی.....
۴۵	سنجیدن کلمات.....
۴۸	ایواب ثلاثی مجرد.....
۴۹	ایواب ثلاثی مزید.....
۶۷	سالم و غیر سالم.....
۷۶	لازم و متعدی.....
۷۸	معلوم و مجهول.....
۸۲	نون تأکید.....
۸۲	ماضی استمراری.....
۸۳	فعل متصرف و غیر متصرف.....

۸۴	فعل مُعَرَّب و مَبْنِی
۸۶	ادغام و اعلال
۹۱	تجزیه افعال

مبحث اسم

۹۶	اسم متصرف و غیر متصرف
۹۷	مقصود و ممدود و منقوص و صحیح الآخر
۹۸	مذکر و مؤنث
۱۰۰	اقسام اسم (ثلاثی و رباعی و خماسی)
۱۰۲	مفرد و مثنی و جمع
۱۰۲	مثنی
۱۰۴	جمع مذکر سالم
۱۰۶	جمع مؤنث سالم
۱۰۷	جمع مکسر
۱۰۸	جمع مکسر مُطَرَّده
۱۱۹	منسوب
۱۲۰	مصنوع
۱۲۱	جامد و مشتق
۱۲۱	اقسام جامد
۱۲۳	اقسام مشتق
۱۲۴	اسم فاعل
۱۲۶	اسم مفعول
۱۳۰	صفت مشبیه
۱۳۳	صیغه مبالغه
۱۳۴	اسم تفضیل
۱۳۵	اسم زمان و مکان
۱۳۶	اسم آلت
۱۳۷	مصادر مزید
۱۳۹	فعلیل به معنی مفعول
۱۴۴	معرفه و نکره
۱۴۴	علم
۱۴۵	ضمیر
۱۵۰	اسم اشاره
۱۵۲	اسم موصول

۱۵۴	معرف به ال
۱۵۴	معرف به اضافه
۱۵۵	اسم معرب و مبنی
۱۵۸	اقسام اسم معرب
۱۵۸	(منصرف و غیر منصرف)
۱۶۱	اسماء عدد
۱۶۱	اعداد اصلی
۱۶۴	اعداد ترتیبی
۱۶۶	تجزیه اسم

مبحث حرف

۱۷۰	حروف عامل
۱۷۱	حروف غیر عامل

نحو

۱۷۷	مقدمه
۱۷۸	تعریف نحو
۱۷۹	کلمات معرب و مبنی

اعراب فعل

۱۸۰	مواضع نصب فعل
۱۸۳	مواضع جزم فعل
۱۸۸	مواضع رفع فعل

اعراب اسم

۱۹۱	مواضع رفع اسم
۱۹۲	فاعل
۱۹۶	نائب فاعل
۱۹۹	مبتدا و خبر
۲۰۲	اسم افعال ناقصه
۲۰۳	اسم افعال مقاربه
۲۰۴	خبر حروف مشبّه بالفعل
۲۰۵	خبر لاء نفی جنس
۲۰۸	مواضع نصب اسم
۲۰۹	مفعول
۲۱۱	حذف عامل مفعول

۲۱۲	 (تحذیر و اغراء)
۲۱۴	 مفعول مطلق
۲۱۴	 مفعول له
۲۱۵	 مفعول فیه
۲۱۷	 مفعول معه
۲۱۸	 حال
۲۱۹	 تمیز
۲۲۱	 مستثنی
۲۲۳	 منادی
۲۲۸	 فعل تعجب و افعال مدح و ذم
۲۲۸	 فعل تعجب
۲۳۰	 افعال مدح و ذم
۲۳۴	 اسماء شبه فعل
۲۳۹	 مواضع جر اسم
۲۳۹	 مجرور به حرکت جر
۲۴۲	 معانی حروف جار
۲۴۴	 مضاف الیه

۲۴۹	 نعمت
۲۵۳	 تأکید
۲۵۴	 بدل
۲۵۵	 عطف بیان
۲۵۶	 عطف به حروف

اقسام اعراب

۲۵۹	 اعراب به حرکات
۲۶۱	 اعراب به حروف
۲۶۲	 اعراب به حذف
۲۶۳	 اعراب محلی
۲۶۴	 اعراب تقدیری

جمله و اقسام آن

۲۷۲	 تجزیه و ترکیب
-----	---------------------

بسمه تعالی

مقدمه چاپ پانزدهم

از چاپ اول این کتاب بیش از چهل سال می‌گذرد و با وجود این زمانِ بالتسبه طولانی همچنان مورد استقبال و عنایتِ مدرّسانِ زبانِ عربی و دانش‌آموزان و دانشجویان قرار دارد و پیوسته تجدید چاپ می‌شود.

چاپهای پیشین همه بصورتِ افست و تقریباً بدون تغییر بوده است. اما چاپ حاضر (چاپ پانزدهم، به اهتمام انتشارات ناهید) با تجدید نظر و اضافات انتشار می‌یابد و امیدوارم بر فایده کتاب بیفزاید.

عمده‌ترین مطالبی که به چاپهای قبل افزوده شده بدین شرح است:

۱- در بحثِ مشتقات، یک قسم خاصی از مشتق عنوان شده که در کتابهای قدیم و جدید صرفِ کمتر بدان پرداخته‌اند و آن «فَعِلٌ به معنی مفعول» است. مانند قَتیل (یعنی مقتول)، و جَریح (یعنی مجروح)، و ذَمیم (یعنی مذموم). این قبیل الفاظ را نمی‌توان صفتِ مشبّه دانست. زیرا چنانکه همه صرفیان تصریح کرده‌اند، صفتِ مشبّه از فعلِ لازم مشتق می‌شود و این صیغه‌ها همه از فعلِ متعدّی گرفته شده است. و نیز نمی‌توان آنها را اسمِ مفعول دانست، زیرا بر وزنِ مفعول نیستند. بهمین سبب وقتی اهل ادب به چنین الفاظی می‌رسند در تعیین صیغه آن و معنی آن می‌گویند: فَعِلٌ به معنی مفعول است.

بنابراین، این صیغه را نیز باید نوعی خاص از مشتقات دانست و آن را به

تعداد مشتقات افزود. در ذیل این عنوان با استقرائی البته ناقص مشهورترین مثالهای آن آورده شده است.

۲- در بسیاری از موارد به تعداد مثالها و تمرینها افزوده شده، و سعی بر آن بوده است که مثالها و تمرینها از آیات و روایات و عباراتی باشد که بخصوص پس از انقلاب اسلامی، در سخنرانیها و گفتهها و نوشتهها بسیار بکار می‌رود.

از لحاظ روش آموزش بخصوص در مقاطع پائین تحصیلی و برای مبتدیان، بسیار بجا و بلکه ضروری است که مطلب را با مثال آغاز کنند، و پس از ذکر چند مثال ساده، قاعده را از آن استخراج کنند. یعنی به شیوه استقراء، ذهن دانشجو را از جزئی به کلی رهنمون شوند.

مثلاً برای بیان فعل لازم و متعدی ابتدا این دو ستون را روی تابلو می‌نویسیم، بدون این‌که در ابتدا هیچ اشاره‌ای به اصطلاح فعل لازم و متعدی بکنیم:

أَخَذَ الْمُعَلِّمُ الْكِتَابَ	دَخَلَ الْمُعَلِّمُ
أَكَلَ الصَّبِيُّ التُّفَاحَةَ	نَامَ الصَّبِيُّ
رَأَى عَلَى صَدِيقِهِ	قَامَ عَلَى
أَكْرَمَ سَعِيدٌ مُعَلِّمَهُ	جَلَسَ سَعِيدٌ

و پس از معنی جمله‌ها، فعلهای دو ستون را با هم مقایسه می‌کنیم، و تدریجاً با تأنی و صرف وقت معنی لازم و متعدی را روشن می‌سازیم. آنگاه بالای ستون اول می‌نویسیم افعال لازم و بالای ستون دوم افعال متعدی.

یا مثلاً برای عمل حروف مشبّهة بالفعل، و تغییری که در اعراب مبتدا و خبر می‌دهند، ابتدا چند جمله مرکب از مبتدا و خبر می‌نویسیم، و سپس با

آوردن حروف مشبّه بر سر آن تغییری را که در اعراب و ترکیب حاصل می‌شود، یاد آور می‌شویم:

اللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ
(مبتدا) (خبر)

إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ
(اسم إن) (خبر إن)

مثال دیگر

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ
أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

و از این نکته یعنی ذکر مثال و مصداق در آغاز، و بیرون آوردن قاعده از مثال هرگز نباید غافل بود. همین روش در مراحل عالی نیز البته پسندیده است. اما چون در مراحل عالی دانشجو برای ادراک و فهم قوانین انشائی آمادگی دارد، می‌توان با بیان قانون کلی شروع کرد.

اگر استادان محترم بخواهند این کتاب را در مقاطع تحصیلی بالاتر تدریس کنند، کمبودها و کاستی‌های آن را با جزوه‌ای که در تکمیل آن خواهند گفت برطرف خواهند ساخت، و هر قاعده یا نکته یا مطلب یا تمرینی را که لازم بدانند خود بدان خواهند افزود.

بسیار بجا است که برخی قواعد نحو عربی و طریقه جمله‌بندی در زبان عرب، با قواعد زبان فارسی یا زبان خارجی تطبیق شود. این روش تطبیقی،

متضمّن فوائد فراوان است.

اینک پاره‌ای از اختلافات نحو عربی با دستور زبان فارسی:

— هر کس به فراگرفتن زبان عربی آغاز کند، در همان روزهای نخست توجه می‌یابد که در جمله‌های عربی معمولاً فعل در ابتدای جمله می‌آید. یعنی جمله با فعل شروع می‌شود، در صورتی که در زبان فارسی فعل غالباً در آخر می‌آید. مانند وَ جَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى (یعنی مردی از دورترین نقطه آن شهر شتابان بیامد). و يَا قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (یعنی همانا مؤمنان رستگار شدند).

— دیگر آنکه فاعل وقتی اسم ظاهر باشد، در مفرد و تشبیه و جمع با فعل مطابقت نمی‌کند و فعل همواره مفرد می‌آید. در صورتی که در فارسی در مورد ذَوِي الْعُقُولِ مطابقت لازم است. مانند همان قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (همانا مؤمنان رستگار شدند) که فعلِ أَفْلَحَ مفرد است و فاعلِ آن جمع است. و مانند إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ (وَتَنِي بندگان من [درباره من] از تو سؤال کنند، [بگو] من نزدیک هستم).

— در عربی بسیاری از افعال متعدّی به دو مفعول می‌شود. اما در فارسی معمولاً فعل دو مفعول صریح (= مفعول بی واسطه) ندارد و اگر دو مفعول باشد یکی با واسطه است و یکی بی واسطه. مثلاً در جمله أَعْطَيْتُ الْفَقِيرَ دِرْهَمًا (درهمی به فقیر دادم)، فعل دارای دو مفعول صریح (به اصطلاح

فارسی) است. در صورتی که در فارسی، فقیر مفعول بواسطه است و درهم مفعول بی واسطه. و همچنین است در اَنَا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (ما کوثر را به تو عطا کردیم). حتی ممکن است فعل دارای سه مفعول باشد. مانند اِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلًا (هنگامی که خداوند آنان را در خواب تو به تو کم نشان داد.....) که كَ مفعولِ اوّل است، وَهُمْ مفعول دوم، وَ قَلِيلًا مفعول سوم.

– مفعول مطلق، بدان صورت که در عربی بکار می رود تقریباً در زبان فارسی رائج وجود ندارد، بلی گاه مفعولِ مطلق نوعی، در اشعار و آثار قدما با تأثر از زبان عربی دیده می شود.
مانند «بلرزیدی زمین لرزیدی سخت»
یا

فرود آور به درگاه وزیرم فرود آوردهن آعشی به بابل

یا این شعر از بوستان سعدی:

نگه کرد رنجیده در من فقیه نگه کردن عاقل اندر سفیه

سایر موارد تشابه یا اختلاف را نیز استادان محترم خود گوشزد خواهند فرمود.

دکتر محمد خوانساری

تهران - شهریور ماه ۱۳۷۹